



رمزگشایی یک آیین

○ علیرضا حسن زاده

دستمال بر سر خود را به صورت یک زن می‌آرایند او «لال» است یا «سختن» نمی‌گویند از شیش (یا ترکه‌های) بهره می‌جویند و تنها به سراغ موجودات نازا و سترون و عقیم می‌رود. آرایش فرد به صورت یک زن ممکن است با اعتقاد به نقش الهه در باروری مرتبط شود. البته در رسم‌های دیگری چون «کوسه گلی» (رسم باران خواهی) عروس را به به شکلی زشت می‌آرایند. (به نظر می‌رسد در رسم باران خواهی این گونه آرایش به وارونگی اوضاع، مظلومیت خواهی، و یا گونه‌ای سرکشی به چگونگی گردش امور هم تعبیر شود) البته باز در این باره به اطلاعات مردم‌نگاری بیشتر نیاز داریم. سکوت یک ارزش و اصل مقدس است. آنچه در فرهنگ آیینی و عبادی زرتشتیان به «میانک» معروف می‌باشد. برخی از آیین‌های کهن در نزد اقوام جهان میان اصل «باروری» و «سکوت» ارتباط وسیع‌تری به وجود می‌آورند. نقش «سکوت» در آیین «جیکینی او» (Jikiniav) و خشت برداشتن از قبرستان کهنه در نزد گیلکان از این شمار است. جستجوی افراد نازا از سوی شخص به نیکی خویشکاری و کارکرد او را که ایجاد باروری و زایش است نشان می‌دهد به‌ویژه آنکه نام وی دست‌کم در یک ضبط «لال مار» (مادر خاموش) است. استفاده از شیش از یکسوی می‌تواند به عنصری توتیمیک مربوط باشد. زیرا درختان در باورهای توتیمیستی عنصری مقدس به شمار می‌آیند. از سوی دیگر اگر چه شیش (sis) به معنی «ترکه» است اما ریشه‌یابی این واژه در زبانهای محلی گیلکان و مازندرانیان به خوبی نشانگر آن است که واژه مزبور به معنی درخت شمشاد و مرتبط با الهه باروری و آب یعنی «ناهیتا» است. آنگاه که رسم کاشت شاخه شمشاد در خزانه برنج را با رسم «لال شوش‌زنی» مقایسه می‌کنیم. می‌توانیم به رمزگشایی یک آیین کهن توفیق یابیم. البته کاربرد شاخه شمشاد در جشن حنابندان نیز ارتباط این عنصر را با اصل زایش و زایمندی روشن می‌سازد. (عروسی در روستاهای غرب گیلان). بی‌شک در ژرف ساخت‌های دیرین سال‌تر عناصر مزبور همچنان گفته شد می‌توان از باورهای توتیمیستی یا جادوی تکثیر و جادوی الگو نیز سخن گفت. برای مثال در آیین‌های کشت و زرع نیز «ورزا موشته»

(Varzamusta) که شامل آخرین مشت از شالی درو شده می‌گردد. به نشانه برکت خیر و باروری است و آن را بر آبنار برنج یا دیوار خانه می‌آویزند و یا به ورزا می‌دهند تا قوتی بیشتر در دروی محصول داشته باشد. نهادن شاخه شمشاد در خزانه برنج حضور و آرزوی باروری (و الهه آن) در شالیزار است.

پیش از آنکه «نوروز» فرا رسد، «نوروزی خوان» اغلب همراه یک‌تن دیگر که بندهایی از شعر بهار را با او همخوانی می‌کرد، کوچها و خانه‌های آبادی را یک به یک پشت سر می‌نهاد. نجوای او آمن سال نو را نوید می‌داد و عطر گل‌ها را پیش از شکفتن غنچه‌ها می‌پراکند.

مردم «نوروزی خوان» را تنها از صلیای گرمش و فانوسی که رقصان به این سو و آن سو می‌برد نمی‌شناختند دست دیگر او انبوهی از شاخه‌های سبز و مقدس کیش (شمشاد: Kis) را می‌فشارد. تحفه‌ای که در برابر تحفه می‌داد هدیه‌ای که به رسم هدیه پیشکش می‌کرد. به هنگام عزیمت از خانه‌هایی که به بانگ نوروزی خوانی به وجد می‌آمدند، مرد یا زن صاحب‌خانه تحفه‌ای به نوروزی خوان می‌داد. قند، شکر، برنج، پول و... در برابر نوروزی خوان شاخه‌ای از انبوه شاخه‌های شمشاد را چنان می‌کرد و به آنان می‌بخشید. زن (و گاه مرد) شاخه شمشاد را در خزانه برنج (timbar) می‌کاشتند و باور آنان بر این بود که بر پایه این آیین سبزینه‌ها سبز، و خزانه بارور و باردارتر خواهد شد.

این صورت آیینی که در مجموعه آیین‌های نوروز در نزد مردم گیلان به چشم می‌خورد، خود ریشه به ژرف‌ساخت‌های کهن اسطوره‌ای می‌رسد. پرسش این است چرا زمان نوروز، چرا نوروزی خوان، چرا شاخه شمشاد چرا خزانه برنج؟ آنگاه که این عناصر و سازه‌های آیینی را در کنار هم می‌نهمیم و با برخی از آیین‌های دیگر ایران مقایسه می‌کنیم رمزگشایی یک آیین ممکن می‌شود. یکی از عناصر بنیادین موجود در ژرف ساخت اسطوره‌ای آیین‌های نوروزی، عنصر اسطوره‌ای تولد زایش، زایمندی و باروری است. نگاهی به مجموعه عناصر سمبولیک و نمادین آیین نوروز در برداشتی معناشناسیک به روشنی این سخن را تصدیق می‌کند. عنصری که بر سقره هفت‌سین به چشم می‌خورد، فدیة سبزه به آب و... از این روی نوروز آغازگاه امید به زایش، زایمندی، باروری و برکت است. شمشاد از درختان مقدس در نزد مردم ایران است و شاید بنیان‌های بسیار کهن این تقدس به باورهای توتیمیک ریشه رساند. شمشاد را در زبان‌های بومی شمال ایران (گیلان و مازندران) با نام‌هایی چون شیش (sis) شوش (sus) شیشار (Sisar)، شوشار (susar) کیش (Kis) و... می‌شناسند. آنگاه که به خاطر آوریم شمشاد نماد ایزد و الهه آب و باروری است بر اهمیت این نام وقوفی افزون‌تر خواهیم یافت. به ویژه آنکه آگاهی یکی از معابد «ناهیتا» در شهر «شوش» قرار دارد. از

این روی می‌توان دریافت که نام محلی درخت شمشاد در زبان‌های بومی شمال ایران به روشنی با ایزد و الهه‌آب یعنی آنایتا مربوط است. بر این اساس گزین درخت شمشاد (شاخه آن) برای بارور ساختن و سبزتر نمودن خزانه شالیزار بی‌گمان یادآور ایزد آنایتا می‌باشد. به تعبیر دیگر عنصری آیینی که به الهه باروری و آب منسوب است در خزانه شالیزار نهاده می‌شود تا خزانه آباد و بارورتر گردد.

اما با نگاهی به آیین دیگر در نزد مردم شمال ایران که آیین «لال شوش‌زنی» (Lal sus zani) نام دارد دلایل افزون‌تری برای تحلیل آیین مورد بحث خواهیم داشت. در این رسم شخص که او را لال مار، لال شیش و لال شوش می‌گویند به سراغ زنان نازا، حیوانات نازا، دختران شوهر نکرده و درختان سترون می‌رود و با ترکه به آنها ضربه‌ای وارد می‌سازد. کسی ضامن آنها می‌شود و ضمانت می‌کند که آنها بارور گردند. (روح‌الامینی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۱ و ۱۱۰).

البته در صورت‌های دیگر این آیین ضربه‌ای که با ترکه بر آبنار برنج، درخت سترون، زن نازا و... وارد می‌آید خود شفا بخش است. از سوی دیگر این آیین با عنصر «آب» نیز پیوند می‌خورد. برای مثال دکتر محمود روح‌الامینی به شست و شوی «لال مار» در روستای فرامرز کلاهی مازندران در رودخانه «درکا» اشاره می‌کند که به زعم وی می‌تواند با رسم آب پاشی مرتبط گردد (روح‌الامینی، ۱۳۷۶، ص ۱۱۸) در این میان چند عنصر مهم در ساخت آیینی رسم مزبور مشاهده می‌شود: شخص با نهادن